

شعله جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره دهم پنجمشنبه ۱۶ جوزا ۱۳۳۷ - ۶۸ جون ۶۸

«واصف باختری»

جهان بینی خلاق واپور تونیسیم

چپ و راست

اپور تونیسیم چپ و راست در تاریخ جنبش کارگری بنا بر انگیزه ها و علل معین عینی و ذهنی پدیدار شده است .
پایه گذاران جهان بینی پیشرو برای پاکیزه نگاه داشتن این جهان بینی پیوسته پیکار کرده اند و رهنمودهای آنان بیانگر اینست که اگر بر ضد اینگونه گرایشهای نادرست مبارزه نشود پیروی از اپورتونیسیم راست جنبش کارگری را به اجزای ریفورمیسم بورژوازی میکشاند و چیره شدن اپور تونیسیم چپ جنبشی یاد شده را باشکست روبرو می سازد .
این دو گرایش نا درست اگر چه یکی از سوی راست و دیگری از سوی چپ بر پیکر جهان بینی خلاق ضربه می زنند و مواضع آنان در نگاه اول نا همگون جلوه میکند ولی از نظر انحراف از اصول جهان بینی خلاق و پشت پا زدن به بنیان های ایدئولوژیک رنجبران با هم شباهت عمیق دارند . یکی انباشته از جوش و خروش دروغین انقلابی است و دیگری آکنده از سازشکاری و تسلیم طلبی و زبونی .

در تمام دوران بین الملل اول رهبران خرد منده جنبش کارگری بر ضد اینگونه گرایشهای زهر آگین به مبارزه برخاستند و پس از آنان پایه گذار بین الملل سوم به نبرد بی امان و همه جانبه بانمایندگان اپورتونیسیم چپ و راست پرداخت و اپور تونیسیم راست را در وجود کارل کائوتسکی و بر نشانی کوبید .
در دوران ما نمایندگان اپورتونیسیم راست (تجدید نظر طلبان) از پذیرش حقیقت عام جهان بینی پیشرو سرباز می زنند . آنان رستخیز رنجبران و استقرار دکتاتوری زحمتکشان را به مثابه شرط و ضامن پیروزی نظام نوین نمی کنند حال آنکه بر اساس آموزش پایه گذاران جهان بینی پیشرو و ادامه دهندگان راه آنان گذار از سرمایه داری به نظام نوین جریان انقلابی واحدی است که در برگیرنده قانونمند یهای اصولی ، مهم و کلی است که این قانونمندیها را چنین می توان برشمرد :

رستخیز رنجبران ، رهبری توده های ستمکش بوسیله رنجبران که هسته آن گروه پیشاهنگ طراز نوین آنانست ، همبستگی رنجبران با دهقانان و دیگر ستمکشان بر انداختن مالکیت سرمایه داری و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسایل عمده تولید ، بر انداختن ستم ملی ، دفاع از پیروزی (در ص ۲)

جهان بینی پیشرو تنها فر آورده نبوغ پر درخشش و آفرینندگی شکر بنیانگذاران خویش نیست بلکه بر پایه قانونمندی تکامل تاریخی و شرایط اقتصادی و اجتماعی معینی پدید آمده و زمینه پدید آمدن آنرا تمام جریان تکامل اندیشه های علمی و فرهنگی آماده ساخته بود .

جهان بینی پیشرو مجموعه ای از دستور های دگرگونی نا پذیر نیست بلکه دانشی است خلاق و رشد یابنده که هماهنگ با زندگی پیوسته در تغییر است و به پیش می رود .
از آنجایی که تاریخ عرصه فرسایش کهنه و زایش نو است جهان بینی پیشرو همواره از نوآوریهای زمان بهره می گیرد و برای شناخت پدیده های تازه راه های نوین در می یابد .
روح این جهان بینی دیالکتیک درخشان و تکاپوی درنگ ناپذیر آنست . نادیده گرفتن پروسه حرکت و دگرگونی و تکامل پدیده های اجتماعی مفهوم جدا شدن از این آموزش را دارد .

جهان بینی پیشرو از آوان پدید آمدن خویش تا کنون خشم و کینه همه بنهره کشان ، بیدادگران و پرده کنندگان انسان را برانگیخته و از جهات و جوانب گوناگون مورد یورش دشمنان خود قرار گرفته و همواره در نبرد با گرایشهای نادرست ، در نبرد با اپور تونیسیم چپ و راست استواری و پایداری یافته و قوانین خویش را گسترش داده و بر غنا و ژرفای آن افزوده است . چه بقول پایه گذار بین الملل سوم در جامعه ای که بنای آن بر مبارزه طبقاتی نهاده شده است هیچ علم اجتماعی «بی غرضی» نمی تواند وجود داشته باشد .

جامعه انسانی و طبقات آن در جریان تحول پیگیر و تکامل گسست ناپذیر است .
طبقات کهنه بسود طبقه نوین راه زوال و انهدام را می پیمایند . این پروسه هر روز بیش از پیش کسانی را از طبقات کهن در صفوف رنجبران داخل میکند و آنها با خود اپورتونیسیم چپ و راست و اندیشه های ماجراجویانه و سازشکارانه را به جنبش کارگری می کشانند .
به جهان بینی پیشرو از دیدگاه متافزیک نگریستن و آنرا به مثابه چیز بیجان تلقی کردن و در نظر نگرفتن آن به عنوان آموزش مبارزه انقلابی اپور تونیسیم چپ است و خود داری از پذیرش حقیقت عام جهان بینی پیشرو اپورتونیسیم راست .

مبارزه ، شکست ، بازهم مبارزه ، بازهم شکست ، بازهم مبارزه
وسر انجام پیروزی ، اینست منطق خلق در بر خورد با مر تجعین .

م، ش «مورچل»

دامریکی امپریالیسم یا

دزیری ، یوستر داره مار

میوی متحده کمپنی چه به «گرین دول» سره مشهوردی دلاتینی امریکی په اتو هیوادو کنبی تقریباً ۲۵۰ میلیون هکتاره خمهکه په شرمی قوا له .
اخیستی ده د امریکی ددی نوری کمپنی د دو مینیکن د جمهوریت د خمکی په برخه په لاتین کنبی لری . امریکائی استثمارچیان په گواتیمالا کنبی تقریباً د ۱۸۸۰۰۰ هکتاره خمکی په برخه په لاس کنبی لری .
نی له ۳۶ میلیونو دالرو خه اوپی .

امریکائی دارماران د ۱۹۵۷ تر ۱۹۶۲ پوری د آسیا ، افریقا اولاتینی امریکی خه ۱۸۰۰۰ میلیونو دالر ه گته اخیستی او په عوض کنبی استعماری فرهنگ او کلتور ، اقتصادی وران و بیچاره حالت او ار تجاعی حکومتونه چه ددوی په گته د خدمت دپاره ملاکله تری بل کوم شمی ندی ور بخبلی .

نفت دین ورخی د ژوند یوه داسی اساسی منبع ده چه امپریالیسم تری سترگی نشی غی ولی اود هغو دسیسو او لارو په لته کنبی دی کوم چه وکولای شی دمنخنی ختیخ او لاتینی امریکی نفتی منابع تر خپل کنترول / لاندی راولی او لکه خنکه چه وینو امریکایی امپریالیستیان پخپل دغه آرزو رسیدلی هم دی او دمنخنی ختیخ نفت په سلو کنبی ۸۰٪ برخه نی ددوی په لاس کنبی دی هغه آمار چه دامریکی متحده ایالاتو خپله خپره کری نیی چه په کال ۱۹۶۲ دمتحده ایالاتو دتیلو د کمپنی گتی ۱۷۱۶ ملیو نو دالرو ته رسپی ی دتیلو هغه کمپنی چه دمتحده ایالاتو

انحصاری سر مایی پوری اړه لری اعتراف کوی چه دو ینز ویلا او کویت دتیلو د کار خانی هر کار گر باید په کال کنبی ۲۱۸۰۰ او ۴۰۰۰۰ دالر پس انداز و لری حال دا چه دغه بد بخت کارگران چه ټول تولید ددوی دمتهو په زور کیری او ټول مادی نعمتونه ددوی دتندی دخولی ثمره ده ، نه کور لری نه لباس او نه په مړه گیوه ډوپی .
دوینز ویلا اکثره خلکو په ورخ کی ۴۰۰۰۰ ټنه پترول تولید وی تر او سه پوری دتیلو د چراغ د لگولو توان نلری . دامریکی دمتحده ایالاتو

امپریالیستی کمپنی چه په وینزویلا کنبی د نفتو ټول منابع په لاس کنبی لری په سلو کنبی او یا نفتی «پاته په دریم مخ کنبی»

دامپریالیسم خه زمونږ هغه سیستم مراد دی کوم چه غواپی د نری نور ولسونه تر خپل اقتصادی کنترول لاندی راولی اونه دې لاری دغه ولسونه په پیره غیر انسانی توکه استثمار کاندی نوله همدی کبله د آسیا ، افریقا او لاتین امریکی کنبی ولسونه دامپریالیسم او په دې تازه وختونو کنبی د نوی استثمار د مدافعینو دیرغلگری د سیاست تر سیوری لاندی ژوند کوی چه دغه ژوند نده بلکه سوچه غلامی ده .

کله چه یوملت یا یوزیارکش انسان اقتصادی آزادی نلری نو هیخکله نشی کولی چه دیو آزاد سیاست او یا د آزادې مفکورې خاوند شی له کومه خایه چه د آسیا ، لاتین امریکی او افریقا اکثر مملکتونه دامپریالیسم او استثمار دافعینو تر اقتصادی اسارت لاندی ژوند کوی نو دغه ملتونه دامپریالیسم د تجاوز او جنگ د سیاست سره چه دنوی استثمار د مدافعینو په ملاتړ مخکبنی خی خپله مبارکه مخالفت نشی خرگندولی او سپی هم شوی دی چه مرتجع حکومتونه په مبارکه ډول دامریکی جنگی سیاست سره چه په ټوله نړی او خصوصاً په ویتنام کنبی چلیبری خپله موافقه خرگنده کری او

حتی خپل عسکرنی هم دامپریالیسم خدمت ته استولی دی . ددی لپاره چه دامریکی دامپریالیسم دنجس قواری سره بڼه آشنا شو نولازم دی چه د یو خو حقا یقو سره د اختصار په ډول تماس ونیسو :

۱- سرمایه اچول : له کومه خایه چه امپریالیسم دامریکی دامپریالیسم په مشری همیشه کوشش کوی چه دنورو ممالکو پر اقتصادی جریانانو باندي حاکم او مسلط شی نو سرمایه گذاری ددغه آرمان د رسیدلو لپاره پیره بڼه وسپیلده . دامریکی انحصاری سرمایه (مونوپول کاپیتال) په سلو کنبی شپيته دزیری مشهور تولیدی منابع یا خاڼته کری او یائی تر خپل مستقیم کنترول لاندی راوستی دی .

لونی مزرمی ، موصلاتی کرنی ، مخابرات ، پروزی ، بانکونه ، بیمی او داکترو هیوادو خارجی تجارت او حتی د بعضی هیوادو داخلی تجارت د امریکی دامپریالیستی تبه کارانو تر نظارت لاندی دی چه ددغې لاری خه پیره گته دامریکی دانحصار گرو سرمایه دارانو جیب ته لوئسپری د

جهانبینی خلاق واپور تو نیسم..

پافشاری روی مبارزه گلیدپیروز بیست

غذا بصورت خیرات- پلو تولکی در مرادخانی و پل خشتی- شش کباب- شوربای کله- چاینکی وغیره نیز ندرتا نصیب آنها میگردد .

کمر از نظر ارزش غذایی مصرف رنجبران را محاسبه کنیم شاید در حدود ده افغانی بوده و اگر کرایه یک شبه اطاق را نیز علاوه کنیم مجموعاً یازده تا دوازده افغانی در یک شبانه روز مصرف دارند .

هرگاه بتوانند کار پیدا کنند-مزد آنها در مقابل رنج فراوان و طاقت فرسا در یک روز از ده تا چهل افغانی تجاوز نمی کند .

از همین مزد عرق ریزی است که باید زحمت کشان بخورند-بپوشند وباصطلاح زندگی کنند ودرعین زمان ذخیره وپس انداز نمایند تازن و فرزندان خود را نان بدهند وباید از این کوری وکبودی خود چند متر صحن کوره وطنی یا چیت- کالای کهنه آمریکائی چیلی یا بوت رابری ساخت مرادخانی برای خود و فامیل خود وهمچنین تیل وتبناکو وغیره اشیاء بخرند. اگر قر ضدار باشند (چه حتماً هستند) یاچند درخت توت- بز- خر وغیره خود را بگری گذاشته باشند- درآنصورت از خود تمام اشیای مورد نیاز فوت - نظر کرده وپول اندوخته را به معامله دار خود می دهند تا ازشر دشنام و بوچ گوئی آنها رهائی یابند .

خواننده کنجکاو! این صرف تحلیل عینی ازوضع زندگی عده لئیل رنجبران دریک گوشه شهر- یعنی رستوران خبیر بود. درحالیکه د سرای شب باشی دیگر درهمین پایتخت کشور وجود دارد که وض اغلب آنها ازاین هم بدتر است .

حالا مطالعه سرای سرکه که ه فروشی- پخته فروشی- دروازه لاهوری- چنداول وغیره بدوش توست. اگر از نزدیکتر میخواهی به مطالعه زندگی این زنده بگور ها بپرداز- پس لطفاً وضع فامیل های هزاره و پنجشیری رادر هرمنزل و تعمیر شهرنو- کارته چار- کارته پروان وغیره نقاط به اصطلاح متمدن شهرکابل مطالعه کن وسپس را جمع بوضع زندگی درولایات دور دست افغانستان تفکر نما ونتیجه گیری کن. شاید درآخرین تحلیل به این نتیجه برسی که دراین ظلمت کده کی زحمت می کشد وکی میخورد!

بگذار درخاتمه این سطور متذکر شوم که رنجبران افغانستان متحد شوید از مبارزه و قربانی نهراسید شما چیزی از دست نخواهید داد. بجز زنجیر های خودتان- مگر در عوض جهانی را بدست خواهید آورد. رنجبران وستمکشان! اگر یک بار متحد شوید واز «چار شقه شدن نهراسید ارتجاع را از مسند قدرت فرود خواهید آورد!

رفقا! وقتیکه ما متحد شویم، یقیناً باین هدف خواهیم رسید .

از لباس رنجبران سخن بز نیم! پیراهن پراز وصله وپاره پاره صحن وطنی، تنبان یا پر زو که آن هم به سر نو شت پیراهن گر فتار است کمر تی یا بالا پوشش ارزان قیمت وکهنه امریکایی.

بوت یا چیلی را بری (اما بسیاری اوقات باها برهنه است) پار چه کهنه بنام لنگو ته وکلاه نخ.

اگر تمام کالای جان این بینویان را از نگاه ارزش در نظر بگیریم شاید قیمت مجموعی آن به پنجاه تا یکصد افغانی نرسد!

بستر آنها یک لحاف کهنه ژنده وبعضاً یک عدد بالشست کهنه اکثر آنها دوشک ندارند زیرا لحاف یا شال کهنه شان می تواند هر دو وظیفه را انجام دهد .

این بود تمام آنچه که بنام پوشاک به ایشان متعلق است. رنجبران اگر قصد غسل داشته باشند یا بخواهند لباس خود را بشویند به کنار دریای (کابل) ودر اطراف کنار جویبار وچشمه می روند وچون لباس عوض ندارند لذا خود را برهنه می سازند ولنگ می زنند وپس از شستن وپاک کردن تن وکالای خود (که اکثراً بدون صابون صورت میگیرد) رهسپار اطاق یاچیزی شبیه به گورستان می شوند وبزندگی محنت بار همیشگی خود ادامه می دهند.

رنجبران چه میخورند؟

هرچه پیش آمد خوش آمد! زیرا این توده عظیم شرافتمند از غذایی که حاوی تمام مواد وعناصر مورد احتیاج بدن است جز نام، رنگ وبو، چیز دیگری بدست ندارند غذای همیشه گی آنها بقرار ذیل است:

توت خشک یا تلخان، نان خشک جای تلخ یا بعضاً گر و ندرتا بوره- قرار حکایه خودشان بعضاً پسمانده

لهیب

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی

در دوران مبارزات طبقات متخاصم سه نوع جنگ طبقاتی همیشه توام وجود دارد که عبارتند از مبارزه اقتصادی، سیاسی واید پالوژیکی که بدون درک رابطه آنها باهم ومنفرد ساختن شان در امر مبارزات پیش رونده موفقیت بدست نمی آید .

از دو شکل نخست آن که بگذریم مسئله مبارزه ایدیالوژیک نیز در درجه خاص اهمیت قرار دارد. آیا اختلاف ایدیالوژیکی مانند اقتصاد وسیاست محصول آشتی ناپذیر بودن تضاد های طبقاتی است یا این اختلاف میتواند مافوق طبقات قرار گیرد؟ منبع این اختلافات در کجاست؟ آیا ریشه های عمیق اجتماعی دارد یا جریانی است مافوق طبقات . علم مترقی بمعنی آموزد وتجربه تاییدی

دبستان آرزو مند آن بود ندا شته باشد وچون جهان بینی های کهن به تماشا گری جهان پسندیده کند . دکماتیست کسی است که راه ها وشویه های پیش شده از جانب او هر روز با شکست وناکامی تازه ای رو برو شود ونا درستی آن با ارائه انبوه عظیمی از مدارک و فاکت ها مورد ارزیابی نقادانه قرار گیرد ولی او حقایق را نا دیده انگاشته به پیش کشیدن همان شویه های نا درست وسازشکارانه وباز گفتن همان یاوه های کهن بپردازد .

آیا این روش جز عدم توجه به جریان حرکت و تغییر وتکامل پدیده های اجتماعی وهمبستگی متقابل این پدیده ها وجد شدن از جهان بینی خلاق چه مفهومی دارد ؟

آیا در دوران ماکه پیکار های دلیرانه رنجبران کشور های اروپای باختری و جنبش های دمو کراتیک ورهائی بخش خلقهای خاور زمین ، افریقا وامریکای لاتین با سداران جهان کهن را در لبه پرتگاه نا بودی کشانیده سزاوار نیست کسانی را که جهان بینی پیشرو را با اینگونه پندار های سازشکارانه وبدفر جام می آمیزند بقول پایه گذار بین الملل سوم در قفس نهاد ودر کنار کانگو روی استرالیایی به معرض نمایش گذارد .

مابدرستی می دانیم که زندگی ، عمل وجنبش های دوران ساز خلقها بنده و برده هوسها تخیلات وآرزو های کسی نیست سر انجام رزمندگان راه آرمانهای پر قروغ خلق به پیروز مندی خواهند رسید و سنگی راکه هر تجمین برای کوبیدن خلق بلند کرده اند روی پای خود شان خواهد افتاد .

های رستاخیز رنجبران در برابر دشمنان درونی و بیرونی وهمبستگی رنجبران با رنجبران کشور های دیگر .

در دوران ما زیانمندی اپورتونیسم راست یا تجدید نظر طلبی که روندی است بورژوازی چندین بار بیشتر از دکماتیسم است . تجدید نظر طلبان در سخن دم از جهانبینی پیشرو می زنند و حتی به «دکماتیسم» حمله ور می شوند ولی در عمل بنام «خلافت» وجلو گیری از(جمود اسکولاستیک) جهانبینی پیشرو را از محتوی انقلابی و پیکار جویانه آن نهی می سازند وجوهر و اساس آنرا مورد حمله قرار می دهند.

بنابر آموزش پایه گذار بین الملل سوم دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی جهان بینی پیشرو دشمنان سو کند خورده آنرا وادار می کنند که به لباس «انقلابی» در آیند و برای بر کنار ماندن از سیلاب خرو شان رستاخیز رنجبران وجلو گیری از دگرگونی های بنیادی اپورتونیسم راست را در جنبش کار گری رخنه دهند .

سیاز شکاران و آیین شکنان کشور ماکه اکنون در پرتو جنبشهای رنجبران و روشنفکران مترقی سیمای بنگین شان آشکار شده از چندی باینسو بر هر گونه تحریک اجتماعی بر هر گونه مبارزه بر هر گونه جنبش های اصولی رنجبران و روشنفکران مترقی بر چسب حادثه جویی ودکماتیستی میزنند واین جنبش ها را مظهری از اپورتونیسم چپ وانمود می کنند .

ولی آیا اپورتونیست کیست؟ آیا چه کسی جهان بینی خلاق را مجموعه ای از احکام جامد و دستور های گسسته و نا پیوسته میدانند نه راهنمای عمل

اپورتونیست کسی است که رستاخیز رنجبران و استقرار دکماتوری آنها را به مثابه شرط و ضامن تحکیم این رستاخیز نفی می کند واین شویه ها را آشوب طلبانه وماجرا جویانه میدانند .

اپورتونیست کسی است که بنابر پندار او با گرایش به راه رشد غیر سرمایه داری و پارلمانتار یزم و اصلاحات تدریجی در چهارچوب وضع موجود می توان به بنای جامعه ای نوین که بردرفش آن شعار «از هر کس به اندازه استعدادش وبه هر کس به اندازه کارش» نوشته است پرداخت .

اپورتونیست کسی است که بنابر پندار او بر سروروی جهان بینی پیشرو کرد وغبار روز گاران نشسته وباید در آن تجدید نظر به عمل آید . ولی این تجدید نظر جز قلب ماهیت جهانبینی پیشرو و دور افگندن جوهر آن چیز دیگری نیست . این تجدید نظر برای آنست که مترقی نقش دگرگون سازنده ای که پایه گذار بزرگ این

د امریکې امپریالیسم...

محصولات دهغه مملکت دنو کرما ب او مرتجع حکومت پواسطه شما لسی امریکې ته وړې چه خپلې کمپنی پری چالانی کړې او صنعتی تو لیدات بیرته په خو چنده قیمت دغه هیواد باندی خرڅ کړی، چه ددغی لار نه په کال کښی ۵۰۰ میلیون ډالره د امریکې دمتحده ایالاتو خیتورو انحصارگرانو جیب ته لوئیږی.

د امریکې متحده ایالات په آسیا، افریقا او لاتینه امریکه کښی دفلزاتو او قیمتی موادو لکه یو را نیوم، بریلیوم، تانتلوم، نیو بیوم اولیتیوم معدنونه تر لاس لاندی کړی دی. کانگو ليو پو لد ویل چه دیو رانیوم نیو بیوم، اولیتیوم ډک او غنی کانونه لری د امریکې دمتحده ایالاتو تر مستقیم نظارت لاندی دی چه د ۱۹۶۴ کال د امریکې نظامی مدا خله زمونږ دادعا داثبات د پاره یو ښه دلیل کیدای شی. د امریکې متحده ایالات د نو مو پری موادو د وڅخه دا تومی، هیدرو جنی بمونو او مصنوعی سپوږميو په جوړولو کښی استفاده کوی. دمثال په ډول یورانیم چه هر کال په زرگونو ټنو دکانگو زیار کښی ولس پواسطه لاس ته راخی ۹۰ فیصده بی د امریکې دای، آی، دی یا آی، سی، ای» د مرستو په عوض امریکې ته وړل کیږی چه د امریکې دمتحده ایالاتو لمرنی اتومی بم له همدغه یو را نیوم څخه جوړ شوی و.

۲- مارکیت او قیمتونه:

خرنگه چه د امریکې امپریالیسم د آسیا، افریقا او لاتینی امریکې ځینی وروسته ساتل شوی هیوادو طبیعی منابع تر خپل څارنی لاندی لری نو دنوموړو مملکتو اومه معدنی او زراعتی مواد دخپلی د خو ښی په بیه اخلی او په عوض کښی صنعتی تولیدات د «اومه مواد دی را کړه او صنعتی کالی درواخله» تر شعار لاندی په گرانه بیه خرڅوی. له کال ۱۹۵۱ څخه تر ۱۹۶۱ پوری امپریالیستان د زراعتی او معدنی اومه موادو بیه په سلو کښی ۳۹۲ ښکته کړی ده حال داچه د صنعتی تولیداتو بیه په سلو کښی ۳۱۳ جک شوی دی چه د همدغه غیر عادلانه قیمتونو په ایښودلو سره له کال ۱۹۵۱ څخه تر ۱۹۶۲ پوری ۴۰۰ / ۴۱ میلیونه ډالره د امپریالیسم پواسطه لوروسته پاتی هیوادو څخه ایستل شوی چه ددغی گټې زیاتره برخه د امریکې د امپریالیسم په برخه شوی دی اوددغه شوم استعمار په وینو رنګ پنچو ورځ په ورځ ډکارگرانو او زیار کښو خلکو په مرئی کښی ځښیږی اوددغو ولسونو وینې لکه جوړه څکی.

په کال ۱۹۶۲ د امریکې متحده ایالاتو ددغی غیر عادلانه تبادلې څخه ۱/۷۰۰ میلیونه ډالره گټه واخیسته. چلی د مسود کانو په لرلو کښی یوستر هیواد دی مگر ددغه فلز زیاتره برخه اوحتی په سلو کی ۹۰ برخه یی د امریکې متحده ایالاتو ته ځی په

تهدیده وی زمونږ ددغی مند عا داثبات لپاره دا ولسی او تیروکلونو لوژی او قحطی یو څرگند دلیل دی. په اوسنی وختو کښی امپریالیسم دویتنام پر قهرمان ولس باندی خپل د تیری او جگړی د سیاست دعما لو لو لپاره په میلیو نومیلیونو ډالره مصر فوی اورد ویتنام د جنوبی برخی «پای دو» چکو څخه مهم هغسی نڅا کوی چه امپریالیسم ورته ساز وھی.

د تایلند حکومت چه په کال ۱۹۵۰ کښی د امریکې د مرستو څخه بر خور داره شوی دی ته مجبور شو چه خپل دنسا جی څلور فابریکی وتری ځکه چه د امریکې زری جا می «کهنه فرو شی» دنوی او وطنی جامی ځای ونیو او څرنگه چه د تایلند اکثره خلک دنویو کالیو داخیستلو توان له لاسه ورکړی نو مجبور دی چه له زرو جامو څخه استفا ده وکړی زمونږه حاکمه طبقه (تا جبر وکرات او ملاکیزو کرات) چه د امپریالیسم سره دورور گلوئی ډلک قسم ئی کړی ده نو دغه بد بختی او بد مرغی زمونږ په نصیب هم ده.

د امریکې غرض آلوده مرستې لکه زهر دی چه غیر له بد بختی (بحران تجزیه، کودتا، مزاحمت اومدا خله جگړه) نه بل کوم داسی شی چه دخلکو دردونه بری دواشی له ځانه سره نه راوړی او کوم حکومتو نه چه ددغی مرستی څخه ځان ژغوړلی دی دیر مستقل سیاست، اقتصاد او فرهنگ ځان وندان دی.

۴- د اضافی تولیداتو مصرفول:

امریکه خپله اضافی غله اودانه دخپلی کورنی بحرانو دمخنیوی لپاره په آسیای، افریقایی او لاتینی امریکې هیوادو نو باندی خرڅوی چه دغه معامله له یوی خوا د امریکې داخلی بحرانونه سپکوی او له بلی خوا ښه ستره گټه تری اخلی. د امریکې دغه غلی د مرستی اخیستو نکی هیوادو (چه یو وخت کښی دوی خپله دغلی صا درونکی وو) پرزراعتی محصولاتو باندی خورا سخته اغیزه کوی او همدا اوس ډیر هیوادونه شته چه دغذایی موادو دلروالی سره مخامخ شوی دی چه داخپله ددغسی غلی دپه اصطلاح بلا عوضه مرستو مستقیمه نتیجه ده.

دهغه هیوادونو چه د امریکې مرستی ته لاس اوږد کړی او اوږد وی، زراعتی محصولات په کال ۱۹۶۱ او ۱۹۶۲ کښی نسبت وهغو محصولاتو ته ډیر لږ شوی دی کوم چه د دوهمی عمومی جگړی (۱۹۳۴-۱۹۳۸) څخه مخکښی لاس راتله په آسیا کښی ۳۸ فیصده په افریقا کښی ۸۰ فیصده او په لاتینه امریکه کښی ۱۵۱ فیصده زراعتی محصولات لږ شوی دی چه په نتیجه

تیرو څلویښتو کلنو کښی امریکایان پنځلس ملیونه ټنه مس د چلی څخه خپل هیواد ته یو وړ چه د فابریکی دځینو مصارفو اود کار گرو له معاش نه پرته څلور زره ملیو نه ډالره په توگه انحصاری کمپنیو ته پاتی شو چه که چیرې ددغه پیسی دچیلی پر خلکو باندی ویشل کیدای نو دسپری په سر به په کال کښی ۵۰۰ ډالره رسیدی نو پدی حساب د امریکې امپریالیسم دچیلی دهر فرد څخه ۵۰۰ ډالره غلا کړی ده.

۳- اقتصادی مرستی:

یوه مخصوصه طریقه ده چه نوی استعماری کنترول دسا تلو، د هیوادو په داخلی چارو کښی دلاس و هلو اود خپلی خو ښی د حکومتونو دمنځ ته راوستلو دپاره په کار اچولی دی. د امریکې امپریالیستی نظام خپلی مرستی تر داسی درنه و شرايطو لاندی ورکوی چه غیر له محرومیت او پسماننی بله کومه گټه نه رسوی. تردغو غیر عادلانه شرايطو لاندی مرسته اخیستونکی هیوادونه مجبور دی چه د مرستې شوی پیسی په مقابل کښی صنعتی کالی، زری جامی «کهنه فروشی» او تجملی کالی واخلي او کله ددغو مرستو په مقابل کښی ډله ډله پیسکوران «دصلحی خدمتکاران» دزراعت انجنیری اود ښوونځی او روزنی متخصصین! (چه په عمومی صورت دغه گروپونه دسی- آی- ای «سیا» جاسوسان دی) مرستی اخیستونکی هیوادو ته نه و ځی چه له یوی خوا دننه په هیواد کښی دجا سو سی شبکه تقویه کیږی اوله بلې خوا هر متخصص ئی! له یوزرنه تریونیم زرو ډالرو پوری معاش اخلی چه په دغه صورت کښی د مرستې شوې پیسی څو چنده بیرته امریکې ته ځی. په نتیجه کښی د مرستی اخیستونکی هیواد دصنعت پرمختگ غټه صدمه رسیږی اود سیاست په ډگر کښی هم خپله آزادی له لاسه ورکوی. دادی زمونږ ددوست هیواد د امریکې متحده ایالاتو کمکو نه! د امریکې دمتحده ایالاتو ۳/۵۰۰ ډالره مرسته دیو گوسلا ویی حکومت چه په اصطلاح یوسوسیالیستی دولت دی غیر له دې نه چه دسر ما په داری نظام «کاپیستا لیسم» ډیر ته ژوندی کیدو اود په اصطلاح «صلح ایزه تکامل» کښی مرسته وکړه بله کومه نتیجه یی ورته کړه.

دهند جا کمه طبقه ددې لپاره چه خپل تجاوزکارانه سیاست مترقی هیوادو پر ضد عملی کاندی د امریکې څخه ۶۰۰ / ۶ میلیو نه ډالره مرسته واخیسته.

له کومی ورتځی نه چه د امریکې مرستی هند ته جاری شوی دی په هغه هیواد کښی د غلی او پښی کرهنه وروسته پاتی شویده او هر ورځ چه تیریری دهند ولس لاسپس وږی کیږی او دغه لوږه ده چه ددوی ژوند

کښی دو لسونو هغه غذایی مواد چه دوی پری ژوند کوی او خپل مصرف شوی انرژي «قوت» پری بیرته تجدیدی لروالی راغلی دی اوهمدغه دغذایی موادو لږ والی یا نشتوالی دی چه په دغه هیوادو کښی څلویښت کلن انسان زور ښکاری اود ډول ډول ناروغیو سبب یی گرځی.

د امریکې امپریالیسم چه دخلکو لمرنی دښمن گڼل شوی دی د خپل دمنافعو نه سخت ملاتړ اود بشر دوستی په بهانه ډیر مایه په صادرو لو کښی اود ډالر دخاکمیت د تثبیتولو لپاره تل کوشښ کوی مگر خلک گوری چه ډالر امپریا طوری د آسیای افریقای او لاتینی امریکې دزیار ایستونکو ولسو نو په وینو تعمیر شوی دی اوهر ډالر یی دتاریخ جوړونکو کارگرانو په وینو سیر ښکاری اوله همدې کبله ده چه ددغو گڼو ولسو نو دبی امانی مبارزی طوفانونه چه د امپریالیسم د زوال دعصر په اندینو مجر دی د امپریالیسم اود نوی استعمار دمدا فعینو پر ضد چه داستبداد ځاله اود رجعی طاقتونو ترشا مطمئنه جبهه ده لکه سیلاب مخ په وړاندی درومی. اوس په سترگو وینو چه د امپریالیسم ټغر مخ په ټولو دی او د نوی استعمار د مدافعینو اردو گاه هم چه دامپریالیسم مشاطه گر خیدلی مخ په وړاندی او اضمحلال ښکاری.

د امپریالیسم او نوی استعمار دمدا فعینو لمر دلویدیځ غنډیو شاته مخ په پریوتودی حال داچه د امپریالیسم دعصر دزوال لمر دخپلی سری پلوشی سره دختیځ لوری نه را خیری او جهان روښنا نه کوی. نه خلیدو نکی داخلی او خارجی تضادونه دا ور شیند «آتش فشان» په شان د امریکې امپریالیسم هره ورځ تهدید وی، د امریکې امپریالیسم بیخی ددغه اور شیند غره په څوگه تاحت دی.

پای
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر د حیم (محمود دی)
آدرس حصه اول جاده میوند
حساب در پښتنی تجارتي بانک
(۷۲۷۴)
هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره در سرا سر
افغانستان دواغانی
حق الاشتراک
مرکز ۱۰۰ افغانی
ولایات ۱۱۰ »
خارج ۱۰۰ ډالر

دولتی مطبعه

مظاهرات شورانگیز کارگران جنگلک ، فابریکه بوت آهو و شاگردان میخانیکي

کارگران قهرمان جنگلک ۱ یں موج پیشتاز جنبش کارگری بدنبال مظاهرات قبلی خویش باز هم دست به مظاهره زدند بدین معنی که کارفرمایان این فابریکه در موعدی که برای پذیرش خواسته های کارگران آرزو کرده بودند نخواستند خواسته های برحق ایشان را بر آورده سازند ولی کارگران پیشرو آنجا که ایقان داشتند این مهلت طلبی ها صرف به منظور اغوای ایشان است برو زشنبه یازده جوزا به مظاهره پرداختند این موج خصم افکن با شاگردان مبارز مکتب میخانیکي در هم آمیخته بسوی سایر حوزه های کارگری مارش کردند که بالنتیجه کارگران فابریکه بوت آهو نیز با روحیه رزمندگی خویش بدین جنبش پیوسته و متحدانه خاطر سایر همزنجیران خود رهسپار مطبوعه دولتی گردیدند اما پاسداران منافع ارتجاع در حالیکه کارگران واقعی آنجا را محاصره کرده بودند به وسیله اجیران خود بدین دعوت اتحاد وهمبستگی جواب رد دادند در همین ناحیه مزدور را بدین نقابدار طبقه حاکمه برای اینکه به ادعای پوچ و میان تهی اربابان خود مبنی بر ما جرای جویی و اخلال نظم عامه جنبه واقعیت دهند به سوی پلیس سنگ اندازی کردند که در نتیجه بر خورد پلیس های مخفی و آشکار چار نفر کارگر جراحت برداشتند ولی کارگران جنگلک بزودی ملتفت گردیده عمال ارتجاع را از صفوف خود بیرون راندند این تظاهرات باشعار های که انعکاس دهنده روح رزمندگی و پیکار جویی کارگران بود تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت .

کارگران قهرمان و آگاه جنگلک که بحق میتوان به آنها «پیشتاز خلق زحمتکش» گفت در چندین موضع پر از دحام شهر سخنرانی های آتشین نموده و در ضمن آن اصول و دستور های جابرا نه را که در چندین ورق درج بود و از طرف کارفرمایان وضع شده بود یاپاره نمودند و یا آتش زدند .

شعله جاوید که پشتیبانی از زهر هر گونه جنبش توده ای را شعار خویش میدانند با ثبات و بیامردی در سنگر مبارزه از خواسته های کارگران قهرمان جنگلک ، فابریکه بوت آهو و شاگردان میخانیکي جا نبداری خواهد کرد .

نامه رنجبران

کارکنان شعله جاوید .

ما نرس های زیرنتون از آنجا که جریده شعله جاوید را یگانه مثل اندیشه ها و انعکاس دهنده آمال خویش میدانیم اینک بدین وسیله خواسته های خویش را بشما می فرستیم تا آنرا در شعله جاوید منعکس سازید .

۱- معاشی ما فوق العاده ناچیز است و خود میتوانید تصور کنید که با این معاش کم باچه دشواری ها روبرو هستیم .

۲- بیمه صحیح و دکاتور مؤظف نداریم شاید در تصور آمرین بیدادگر ننگند که ما نرس ها به بیماری های گوناگون مصاب هستیم و این کار توان فرسا که بر ما تحمیل شده کاهنده زندگی و شکنجه دهنده روح ماست در حالیکه بیماری یک نرس متضمن اخراج فوری او از کار است .

۳- ما رخصتی قانونی و غیره نداریم و در صورت مرضی که بالطبع غیر حاضر میشویم استحقاق ما کولات ماقطع میشود و علاوه بر یک روز کسر معاش مجبوریم چهل ساعت دیگر جزا به کار شاق و طاقت فرسای خود ادامه دهیم .

این بود دشواری های عمده ما که یقین داریم فقط از طریق مبارزه پیگیر ما و سایر رنجبران رفع میشود .

•••

خبرنگار ما از ولایت قندهار گزارش می دهد که بروز نهم جوزا کارگران فابریکه پشمینه بافی برای تقلیل ساعات کار و افزایش معاش دست به مظاهره زده بودند ولی مقامات حاکمه در ولایت قندهار باگسیل داشتن پولیس و ژاندارم مظاهره کنندگان را متفرق ساختند .

شعله جاوید: رنجبران تنها با همبستگی و تحکیم اتحاد خویش می توانند راه دشوار گذار مبارزه را کامیابانه بسر برسانند و دشمنان طبقاتی خویش را در هم شکنند .

به اداره محترم شعله جاوید

پیوند تظاهرات ضد استعمار فرهنگی در ولایات

کشور

عمل آنها مترقیست و از توده های خواستار شدند که تا با ایشان درین مظاهره اشتراک نمایند و با فرزندان شان در یک صف قرار گیرند .

از اینکله او ضاع خلاف منافع طبقه حاکمه بود والی پروان در اجتماع آنها حاضر شده و بعراضی شان گوش داده و باز هم شاگردان فریب طبقات حاکمه را نخورده ازینکه گفته اند «پافشاری روی مبارزه کلید پیروزیست» قاطعانه استواری نشان دادند که در نتیجه همان روز قرار هدایت والی منطقه معاون مکتب از آنجا تبدیل و بعوض آن سر معلم لیسه مقرر گردید .

شاگردان در حوالی ساعت (۱۲) ظهر در حالیکه شعار میدادند «زنده بادرو شنفکران مترقی» و «مرگ بر ارتجاع مرده باد قاتل میر بچه چبراسی نا بود فر هنگ استعماری و ملاکی» خاتمه یافت .

باز هم نقض وحدت در پرده فریادهای ...

جامه آنرا هفته دوبار عوض کرد . یگانه راه رفع آن از بین بردن ریشه عمیق آن در جامعه یا محو طبقات متخاصم در شرایط دورویا اینکه برای رسیدن به وحدت عقیده در بین جریان های مترقی واقعی و کسانیکه خود را مترقی جلوه میدهند صرف نظر از اختلافات و یا آشتی دادن آنها با هم نیست . بلکه بهتر است اختلافات را تشدید و هر یک از نظرات را با محک عمل و اصول سنجید تا حقانیت یکی از آنها اثبات شود .

مر تجعین وطنی ماکه می گویند : «جامعه افغانستان امکان آنرا دارد که حرکت خود را در استقرار یک حکومت دیمو کراسی ملی در راه رشد غیر سر مایه داری تحت رهبری هر یک از طبقات دمو کراتیک و مترقی شروع کند» و بشیوه مسالمت آمیز و بدست آوردن اکثریت پارلمانی و

اکثریت عظیم خلق از اقلیت ناچیز و مفتخوار اعمال میدارند باطریقه ای که مر تجعین در پیش می گیرند از بیخ و بن متفاوت و متضاد است که همینطور هم باید باشد . اقتصاد و سیاستی را که طبقات بین البینی و خرده بورژوازی جهت حفظ موقف و منافع خود برای آشتی دادن استثمار شونده گان و استثمار کنندگان پیش میکنند نمیشود مترقی و پیشرونده محسوب شود ، و نیز ایدئالوژی را که عناصر پیشرو برای نیل به هدف خدمت به توده های شان از قید استثمار پخش میکنند با ایدئالوژی که مر تجعین و خرده مالکین برای پایداری سیستم فرتوت خود به جامعه عرضه میدارند کاملاً متضاد و مخالف است .

اختلاف ایدئالوژیکی پی و بنیاد و اساس محکم در اجتماع داشته و نیست که بشود مانند پیراهن وزیر

بر اساس گزارش خبرنگار ما از یک هفته به اینسو محصلین پوهنخی تعلیم و تربیه به عنوان اعتراض علیه فرهنگ ملاکی و نیمه استعماری ، علیه بر نامه های زهر آگین و زیان آور آموزشی ، علیه به اصطلاح استادان و کار شناسان امور آموزش و پرورش امریکایی که از هیچگونه کوشش برای تخدیر افکار محصلین و جلوگیری از رشد استعداد آنان دریغ نمی ورزند دست به اعتصاب زده اند . ولی مقامات مسئول تاکنون به مطالبات منطقی شاگردان جواب قناعت بخشی نداده اند .

شعله جاوید: جنبش های محصلان را بیدیده بزرگداشت می نگرد و پیکار دلیرانه آنان را برای ازپا در افکندن فرهنگ پوسیده کهن و پایه گذاری فرهنگ نوین می ستاید .

خبرنگار ما گزارش میدهد که چند روز پیش از این متعلمین مکتب ریزه کوهستان دست به مظاهره زدند و کارگران فابریکه گلپهار نیز با آنها پیوستند . انگیزه این مظاهره کشیدن راه مستراح های فابریکه بدریا بوده است .

شعله جاوید : این روش نامعقول را که بازی باصحت مردم است شدیداً نکوهش می کند .

تقویه سیکتور دولتی و تدارک جنبه دموکراتیک ملی این مرام را بر آورده سازد . و طوریکه تا حال ادعاهای آنها با اصول رد شده و باز گویی آن در اینجا تکرار مکررات است سازشکارانی بیش نیستند که می خواهند منافع خلق و دشمنان خلق را ، دشمنان طبقاتی که باهم آشتی ناپذیرند آشتی بدهند . این اتهام نیست بلکه هر کس که اندکی دید وسیع داشته و از اصول بوئی برده باشد صحت گفتار ما را تایید میکند و سازشکاران نیز در واپسین تحلیل و تعمق نمی توانند مرتجع نباشند . حال چطور با عناصریکه جز زوال و نابودی نهضت آزاد بخش خلق و مردم آرمانی ندارند «باقیدارده»